

**Comparative study of the structure of the Prophet's  
ascension narrative in Persian commentaries and ascensions:  
From Ibn 'Abbas ascension narrative to Ilkhanid Book of  
Ascension**

**Nahideh Kazemzadeh Ganji\***

**Maryam Hosseini\*\***

**Abstract**

One of the narratives of the life story of the Prophet, which is narrated in sources like the Qur'an and quoted by numerous narrators, is his ascension. This narrative has been referred to in Persian and Arabic literature (prose and poem) in various sources. The present study aimed at investigating the process of change in the structural elements of the ascension narratives from *Hadith al-Isra' wa'l-Mi'raj*, by Ibn Abbas to *Ilkhanid Book of Ascension*. This study was conducted based on *Hadith al-Isra' wa'l-Mi'raj*, by Ibn Abbas, the first written ascension, which was probably written around the 10<sup>th</sup> century AD. The narration of ascension was mentioned after Ibn 'Abbas in exegetical books such as *Kitab Al-Mi'raj* by Abu l-Qasim al-Qushairi, *Tafsir al-Tabari*, *Taj al-Tarajem*, *Tafsir-i Surabadi*, *Kashf al-Asrar*, and *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Janan*. In this paper, we examined the process of change in different narratives of the story of ascension via investigating the similarities and differences of these works, in order to determine the extent to which

\* PhD Student of Mystical Literature at Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author),  
n.ganji@alzahra.ac.ir

\*\* Professor of Persian Language and Literature at Alzahra University, Tehran, Iran,  
drhoseini@alzahra.ac.ir

Date received: 07/01/2021, Date of acceptance: 23/04/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

these narratives or interpretations has influenced each other. Finally, the *Ilkhanid Book of Ascension*, as the only independent narrative of ascension in Persian, was compared with other similar works.

**Keywords:** Israa, Mi'raj, Mi'rajnameh, *Ilkhanid Book of Ascension*, exegesis.



## مقایسه تطبیقی ساختار روایت معراج پیامبر (ص) در تفاسیر و معراج‌نامه‌های فارسی از معراج‌نامه ابن عباس تا معراج‌نامه ایلخانی

ناهیده کاظم‌زاده گنجی\*

مریم حسینی\*\*

### چکیده

از جمله روایت‌های داستان زندگی پیامبر اسلام (ص) که در قرآن و دیگر منابع و به نقل از روایان متعدد آورده شده، معراج آن حضرت است که در ادبیات فارسی و عربی و در منابع منظوم و مثنوی بسیار به آن ارجاع داده شده است. پرسش اصلی این پژوهش بررسی چگونگی روند تغییر عناصر ساختاری روایت معراج از حدیث‌الاسراء و المعراج ابن عباس تا معراج‌نامه ایلخانی است. اساس مطالعه حاضر در این مقاله کتاب حدیث‌الاسراء و المعراج ابن عباس نخستین معراج‌نامه مکتوب است که احتمالاً حدود قرن دوم هجری کتابت شده است. روایت معراج پس از ابن عباس در کتاب‌های تفسیری چون کتاب المعراج ابوالقاسم قشیری، تفسیر طبری، تاج‌التراجم، تفسیر سورآبادی، کشف‌الاسرار میبدی و روض‌الجنان و روح‌الجنان رازی آمده است. در این مقاله روند تغییر داستان معراج را در مقایسه با یکدیگر و همچنین شباهت‌ها و تفاوت‌های این آثار را بررسی می‌کنیم تا میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری‌های هر تفسیر از این روایت

\* دانشجوی دکتری ادبیات عرفانی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

nahidehganj@gmail.com

\*\* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، drhoseini@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳

مشخص شود. در پایان مطالعه، کتاب *معراج‌نامه ایلیخانی*، به‌منزله تنها معراج‌نامه مستقل به زبان فارسی، به‌صورت تطبیقی با سایر آثار مقایسه می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** اسراء، معراج، معراج‌نامه، *معراج‌نامه ایلیخانی*، تفسیر.

## ۱. مقدمه

ساختار روایی آثاری که بر پایه قرآن کریم نوشته شده اند چه تفاسیر به شکل خاص و چه قصص القرآن به شکل عام به روایت‌گونگی بخشی از کتاب آسمانی اسلام اشاره دارد. در میان روایاتی که از خلال آیات قرآن برآمده‌اند و به زندگی پیامبران پیش از حضرت محمد (ص) مربوط اند، روایاتی نیز به زندگی ایشان و رویدادهای روزانه هم‌زمان با نزول این کتاب آسمانی اشاره دارند. از جمله این روایات، روایت معراج پیامبر (ص) است که مفسران و قصص‌نویسان بسیار به آن علاقه نشان داده‌اند. در زمینه ساختار روایی روایت معراج پژوهش‌های پراکنده‌ای صورت گرفته، ولی پژوهش‌های مقایسه‌ای در بسیاری موارد یا اصلاً وجود نداشته است یا به شکل محدودی بوده‌اند که به اندازه کافی جامع نیستند.

روایت‌های معراج پیامبر اکرم (ص) به‌صورت شفاهی و از طریق نقل احادیث از محدثان و سیره‌نویسان جریانی را به نام جریان معراج‌نامه‌نویسی در کشورهای اسلامی از قرن سوم هجری ایجاد کرد. نخستین معراج‌نامه مکتوبی که به دست ما رسیده کتاب *حدیث الاسراء و المعراج* ابن عباس است.<sup>۱</sup> روایت‌های معراج ابتدا به‌صورت شفاهی بودند که با گذشت زمان به کتابت درآمدند. روایت‌هایی از عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، عایشه، انس بن مالک، مالک ابن صعصعه، کلبی و ابوصالح از قول ام‌هانی بنت ابی‌طالب و نیز روایتی از ابن عباس نقل شده است که با هم تفاوت‌هایی دارند. به نظر می‌رسد این تغییرات به این دلیل بوده که بعدها به این روایات عناصری اضافه یا از آن‌ها کم شده یا به دلیل داشتن لایه‌های پنهانی و باطنی، تأویل‌ها و تفسیرهایی از آن‌ها صورت گرفته که باعث شده است نویسندگان جنبه‌های داستانی و تخیلی به آن بیفزایند و تفاوت‌هایی میان روایات مختلف ایجاد شود که زمینه روایی آن را بیشتر کند. برخی نیز بر آن‌اند که معراج دو یا چندبار رخ داده که برخی روحانی، برخی جسمانی، برخی در خواب و برخی در بیداری بوده است. البته همان‌طور که صاحب *روض الجنان* می‌نویسد داستان‌ها

از نظر الفاظ مختلف‌اند اما شالوده کلی روایت یکی است و همگی دلالت بر موضوعی واحد دارند. درباره روایت ابن عباس می‌توان حدس زد که در آن زمان نسخه دیگری در دست مفسران بوده زیرا مثلاً صاحب *روض الجنان* با اینکه می‌نویسد از روایت ابن عباس بهره برده است اما جزئیات روایتش با روایت ابن عباس تفاوت دارند؛ مگر اینکه فرض کنیم مفسر بعضی بخش‌ها را به دلخواه تغییر داده یا زیاد پایبند رعایت امانت در نقل قول نبوده است.

معراج پیامبر اکرم (ص) یکی از رازآلودترین و بحث‌برانگیزترین مباحث در دین اسلام و زندگی پیامبر (ص) است. هر چند در *قرآن کریم* درباره معراج پیامبر (ص) در *سوره الإسراء* و *سوره النجم* اشاراتی شده، ولی جزئیات آن در *قرآن* نیامده است؛ بنابراین از سال‌های نخست پس از رحلت پیامبر، مسلمانان در پی یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره معنا و دلالت‌های آیه‌های معراج و کیفیت و چگونگی معراج رسول اکرم بوده‌اند.

آیه نخست *سوره اسرا* و آیات ۶-۱۸ *سوره نجم* به معراج پیامبر (ص) اشاره دارد.

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»<sup>۳</sup> (اسرا / ۱).

«ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى (۶) وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى (۷) ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى (۸) فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى (۹) فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى (۱۰) مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى (۱۱) أَفْتُمَارُونَ عَلَيَّ مَا يَرَى (۱۲) وَتَلَقَّاهُ نَزْلَةً أُخْرَى (۱۳) عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى (۱۴) عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى (۱۵) إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى (۱۶) مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى (۱۷) لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (۱۸)»<sup>۴</sup> (نجم / ۶-۱۸).

معراج در لغت به معنای نردبان و آلت عروج است. معراج و صعود بر آسمان‌ها ویژه حضرت رسول اکرم (ص) است و بنابر روایات مشهور، معراج پیامبر (ص) در دو مرحله و به دو صورت زمینی و آسمانی رخ داده است؛ نخست سفر از مکه به مسجدالاقصی، سپس سفر از مسجدالاقصی به طبقات آسمان و بهشت و دوزخ و در نهایت به سدره‌المتتهی.

در دوره‌های نخستین اسلامی، سفر شبانه پیامبر (ص) و معراجش لزوماً واقعه‌ای به‌هم‌پیوسته تلقی نمی‌شد؛ مثلاً ابن اسحاق (متوفی ۱۵۱ هـ ق) از نخستین سیره‌نویسان پیامبر، محدثانی چون البخاری (متوفی ۲۵۶ هـ ق) و مورخانی چون ابن سعد (متوفی ۲۳۸ هـ ق) سیر «زمینی» پیامبر (ص) از مکه به بیت‌المقدس و بازگشتش را جدا

از سیر «صعودی‌اش» از مکه به آسمان‌ها و بازگشت به مکه ضبط کرده‌اند. ضبط این دو واقعه مجزا مسلم می‌دارد که دست‌کم در قرن‌های اول و دوم پس از رحلت پیامبر، برخی از نویسندگان اسراء را به‌طور کلی اتفاقی جدا از معراج می‌پنداشتند.

ابن عباس میان معراج و اسراء تفاوت قائل نمی‌شود و آن‌ها را روایتی پیوسته می‌داند و به سادگی هر دو را با هم معراج می‌نامد. در برخی از تفاسیر بین معراج و اسراء تفاوت قائل می‌شوند و آن‌ها را روایت‌هایی جداگانه در نظر می‌گیرند. باوجوداین، طی دوره امویان (۴۱-۱۳۲ ه. ق) و حکومت عباسی (۱۳۲-۶۴۰ ه. ق) این حکایت‌ها به‌طور کامل و یک‌پارچه با روایت اسراء- معراج آمیخته شد.

کتاب ابن اسحاق (۸۵-۸۱ ه. ق - ۱۵۱-۱۵۰ ه. ق) اولین سیره شناخته‌شده منسجمی است که در بین اهل سنت پذیرفته شده است. سیره محمد بن اسحاق را ابن هشام (م ۲۱۳ یا ۲۱۸ ه. ق) تهذیب کرده و اکنون آنچه در دسترس ماست با نام سیره ابن هشام شهرت دارد.

مسلم ابن حجاج نیشابوری معروف به امام مسلم (متوفی ۲۶۱ ه. ق)، صاحب صحیح مسلم، از گردآورندگان مشهور حدیث گزارش مسوطی از روایت معراج را از انس بن مالک ضبط کرده است؛ این گزارش مبنایی برای حکایت‌های معراج بود که در آن مؤلفه‌های اصلی حکایت ترکیب یافته اسراء- معراج آمده است.

در قرن دوم و اوایل قرن سوم که کم‌کم آثار و احادیث مکتوب رواج یافت، اثری با عنوان حدیث الاسراء و المعراج منسوب به ابن عباس ظهور کرد که داستان معراج پیامبر (ص) را مفصل‌تر از احادیث بیان می‌کرد. ابن عباس ابن عبدالمطلب (۶۸ ه. ق)، پسر عموی پیامبر، یکی از مهم‌ترین عالمان قرآن و حدیث بود و منسوب کردن روایت به او بر اعتبار آن می‌افزود. روایت ابن عباس از معراج پیامبر (ص) پایه و اساس معراج‌نامه‌هایی را تشکیل می‌دهد که از آن پس نگاشته شد. در این روایت به‌طور مفصل و بدون هیچ آشفتگی کلامی به مراحل معراج پیامبر (ص) و ملاقات با خداوند پرداخته شده است. روایت شامل مقدمه، تنه اصلی و بخش پایانی است و به شکلی داستانی بیان شده است. محل و تاریخ و زمان اتفاق نیز به‌صورتی دقیق ذکر شده است. پس از معراج‌نامه ابن عباس، معراج‌نامه‌هایی چه به‌طور مستقل و چه در تفاسیر قرآنی نوشته شد که مؤلفه‌های روایت معراج در تمام این

معراج‌نامه‌ها بسیار تکرارشونده و البته با تفاوت‌هایی است که به نویسندۀ آن و زمان نگارش و هدف نویسندۀ آن نگارش آن بستگی دارد.

متونی که در این تحقیق به آن‌ها پرداخته‌ایم عبارت‌اند از: (۱) حدیث‌الاسراء و المعراج ابن عباس، (۲) ترجمۀ تفسیر طبری، (۳) ترجمۀ کتاب‌المعراج ابوالقاسم قشیری، (۴) تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم اسفراینی، (۵) تفسیر سوره‌آبادی، (۶) کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار رشیدالدین میبیدی، (۷) روض‌الجنان و روح‌الجنان ابوالفتوح رازی و (۸) معراج‌نامه مستقل در این پژوهش معراج‌نامه ناشناس متعلق به دورۀ ایلخانی است که در متن پژوهش از آن با نام معراج‌نامه ایلخانی یاد می‌کنیم.

حدیث‌الاسراء و المعراج اثر ابن عباس (۶۸ هـ ق)، پسرعموی پیامبر (ص) است. این کتاب اولین روایت مکتوبی است که از معراج پیامبر (ص) به دست ما رسیده است. در این کتاب شرح مبسوطی از اسراء و معراج پیامبر (ص) آورده شده است. واقعیت این است که این روایت در زمان حیات پیامبر (ص) نوشته نشده بلکه چند سال پس از رحلت پیامبر (ص) و حتی خود ابن عباس نگاشته شده است. این روایت در معرض بسیاری از تحریف‌ها در خلال چاپ قرار گرفته اما ناشر عربی آن به بررسی همه آن‌ها اهتمام ورزیده است و به گفته خود ناشر این نسخه بازبینی شده تمام نسخ است.<sup>۵</sup> کتاب با ذکر صلوات بر پیامبر و بیان آیه معراج از سوره‌الاسراء آغاز و تمام داستان معراج در آن از قول ابن عباس نقل می‌شود.

یکی دیگر از متونی که در آن به داستان معراج پیامبر (ص) توجه شده و شرحی مبسوط اما فارغ از جزئیات و اوصاف شاعرانه از روایت معراج در آن آمده، ترجمۀ تفسیر طبری است. این اثر ترجمۀ جامع‌البیان فی تفسیر القرآن از محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ هـ ق) است که به دست عده‌ای از مترجمان به فرمان منصور بن نوح سامانی ترجمه شده است. این اثر از حیث زمانی بر دیگر روایت‌های معراج تقدم دارد. طبری در این کتاب، به خلاف تفاسیر دیگر، تنها به شرح معراج می‌پردازد و هیچ حرفی از رؤیت خدا نمی‌زند. درحالی‌که این قسمت در تفاسیر دیگر به‌طور مبسوط بیان می‌شود. به‌نظر می‌رسد طبری اصلاً به مسئله رؤیت اعتقاد نداشته باشد.

کتاب‌المعراج اثر ابوالقاسم قشیری (۳۷۶-۴۶۵ هـ ق) از عارفان بنام نیشابور و هم‌عصر بوعلی سیناست. «قشیری به ملاحظه اینکه برخی واقعیت معراج پیامبر (ص) را

انکار می‌کنند و بعضی دیگر معراج را سفر روحی و نه جسمی می‌دانند تلاش کرده است ضمن نقل آراء دیگران احتمالات را نیز در نظر بگیرد» (انصاری، ۱۳۸۳: ۲۰). او پس از نقل احادیث رایج از معراج سعی می‌کند به چند پرسش در این باب پاسخ دهد. جالب توجه آن‌که بین اسراء و معراج تفاوتی قائل نمی‌شود. او تنها در روایتی نام اسراء را می‌آورد و بر آن است که معتزلیان به سیر زمینی پیامبر (ص) اعتقاد دارند.

به خلاف قشیری، هم‌عصر او، بوعلی سینا (۳۷۰ ه.ق)، معراج پیامبر را سیری روحانی می‌داند که از عقاید شاذ است؛ زیرا بنا بر اعتقاد و تفسیر مفسران قرآن، هم‌چنان‌که از آیه اول سوره اسراء برمی‌آید، معراج پیامبر در توان جسم پیامبر هست، اما از نظر ابن‌سینا مقدار عروجی که در توان عقل است هرگز در توان جسم نیست. او قصه معراج را به صورت تأویلی بیان می‌کند و بر آن است که واقعه معراج در حالت خواب و بیداری رخ داده است. جبرئیل با هیئتی بسیار زیبا و باشکوه بر پیامبر وارد شده و از ایشان خواسته است تا در مسیری عقلانی با او همراه شود تا برخی اشکالات و ابهامات از نظر پیامبر زدوده شود. از تأویلات ابن‌سینا می‌توان به این موارد اشاره کرد:

همراه جبرئیل روان شدن: گذشتن از عالم محسوسات (ابن‌سینا، ۱۳۶۵، ص ۱۰۳).

براق: عقل فعال (ابن‌سینا، ۱۳۶۵، ص ۱۰۳).

سه قدح شراب، آب و شیر: روح حیوانی، روح طبیعی و روح ناطقه (ابن‌سینا، ۱۳۶۵، ص ۱۰۶).

از آن‌جا که پژوهش ما درباره سیر روایت‌های معراج و مقایسه آنهاست از بررسی رساله تأویلی عرفانی معراجنامه ابن‌سینا صرف‌نظر می‌کنیم.

عمادالدین شهنشاه اسفراینی (متوفی ۴۷۱ ه.ق) فقیه اصولی، مفسر و متکلم، صاحب تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم از تفسیرهای مهم به زبان فارسی و هم‌پایه تفسیر طبری و سوره‌آبادی است. آنچه در تاج‌التراجم بسیار مورد توجه ماست اینکه اسفراینی در تفسیر آیه نخست سوره الاسراء، داستانی بسیار مفصل از معراج پیامبر (ص) می‌آورد. در این داستان شباهت‌ها و تفاوت‌های بسیار چشمگیری طی مراحل اسراء - معراج با دیگر معراج‌نامه‌های پس‌و‌پیش از خودش وجود دارد که در پژوهش ما کارساز است.

تفسیر دیگری به زبان فارسی در حدود ۴۷۰ هجری به دست ابوبکر عتیق نیشابوری معروف به سوره‌آبادی (متوفی ۴۹۴ ه.ق) تصنیف شده که به تفسیر سوره‌آبادی معروف است



و در برخی نسخه‌های خطی موجود با نام *تفسیرالتفاسیر* آمده است. در این پژوهش از *قصص قرآن مجید* که برگرفته از *تفسیر سورآبادی* است، استفاده می‌کنیم. حدیث و قصه معراج رسول (ص) در ذیل تفسیر سوره بنی‌اسرائیل با جزئیات تمام آمده است.

معراج پیامبر (ص) همچنان الهام‌بخش سلسله روایت‌های عارفان، صوفیان و مفسران بوده است. امام حافظ رشیدالدین میبیدی با توجه به تفسیر موجز خواجه عبدالله انصاری، تمام *قرآن مجید* را در سه نوبت، تحت عنوان *کشف الاسرار و عدة الابرار* (۵۲۰ ه. ق) تفسیر کرده است. میبیدی ذیل تفسیر سوره *الإسراء*، در نوبت دوم داستان معراج را به تفصیل بیان می‌کند. میبیدی همچنین در نوبت ثالث تفسیر سوره *النجم* به شرح و تفسیر معراج و حکمت‌های آن می‌پردازد. آنچه در بخش داستان معراج جلب توجه می‌کند این است که میبیدی از نوشته‌های تفسیری فارسی استفاده نکرده، بلکه از نوشته‌های نویسندگان صوفی هم‌چون سلمی و قشیری بهره برده است.

از دیگر منابع ما در این پژوهش کتاب *روض الجنان و روح الجنان* تفسیر ابوالفتوح رازی از مفسران و علمای بزرگ شیعه، در سده ششم هجری است. ابوالفتوح رازی در *روض الجنان* در تفسیر سوره هفدهم از *قرآن کریم* به شرح مفصلی از معراج پیامبر (ص) به روایت انس بن مالک، ابوهریره، عبدالله بن عباس، عایشه، ام‌هانی و مالک بن صعصعه می‌پردازد و خاطر نشان می‌کند که روایت‌های معراج اختلاف الفاظ و اتفاق معانی دارند و حدیث بعضی در حدیث بعضی داخل شده است. او قصه معراج را به تفصیل بیان می‌کند.

در میان معراجنامه‌هایی که بیشتر به زبان عربی و ترکی رواج یافته بودند، معراج‌نامه‌ای به زبان فارسی در سال ۶۸۵ هجری در دوره ایلخانی به دست نویسنده‌ای ناشناس، به رشته تحریر درآمده است. تک‌نسخه خطی این معراجنامه در کتابخانه سلیمانیه ایاصوفیه نگهداری می‌شود.<sup>۶</sup> نویسنده فارسی‌زبان *معراجنامه ایلخانی* شرح دقیقی از سفر معجزه‌آسا و جسمانی پیامبر (ص) می‌دهد تا ثابت کند که معراج او صرفاً رؤیایی به هنگام خواب نبوده است. او معراج پیامبر (ص) را جسمانی و روحانی بیان می‌کند.

در این پژوهش تلاش شده است با اتخاذ روشی مقایسه‌ای و برجسته‌نمایی تفاوت‌های روایات معراج در تفاسیر فارسی و مقایسه آن‌ها با معراجنامه ابن عباس، که می‌توان آن را اولین معراجنامه مکتوب دانست، به سیر داستانی معراج پیامبر (ص) نگاه جامع‌تری داشت و فرصت مطالعه جریان‌شناسانه ساختاری این روایت را از آغاز تا قرن هفتم را فراهم آورد.

لازم به ذکر است که در این مقاله فقط به بخش‌های مرکزی و ساختار اصلی روایت توجه شده و بخش‌هایی چون دیدار از بهشت و دوزخ، کیفیت صحبت با خداوند، وقایع پس از بازگشت پیامبر (ص) و دیدار ایشان با بزرگان قبیله قریش ذکر نشده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در موضوع مقایسه تطبیقی ساختار روایی معراج‌نامه‌های پیامبر (ص) پژوهش گسترده و فراگیری به شکلی که در این پژوهش آمده، صورت نگرفته است. فردریک کولبی (Frederick S. Colby)، پژوهشگر آمریکایی، در سال ۲۰۰۸ در کتابی تحت عنوان *روایت سفر شبانه محمد (Narrating Muhammad's Night Journey)* به مقایسه تطبیقی معراج‌نامه ابن عباس با معراج‌نامه ابوالحسن بکری پرداخته است. کریستین گروبر (Christiane Gruber) در سال ۲۰۱۰ در مقدمه کتابی با عنوان *کتاب ایلخانی معراج (The Ilkhanid Book of Ascension)* با معرفی *معراج‌نامه ایلخانی*، ویژگی‌های این معراج‌نامه و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن را به‌طور کلی بررسی کرده است. او در این کتاب، بعد از مقدمه‌ای کوتاه بر معراج‌نامه‌ها و معرفی معراج‌نامه ایلخانی به معرفی نقاشی‌های معراج پیامبر (ص) می‌پردازد که در میان اوراق این نسخه خطی است. وی سپس تصحیح متن معراج‌نامه را آورده است. یکی دیگر از کتاب‌هایی که درباره معراج‌نامه‌ها تألیف شده کتابی است تحت عنوان *معراج پیامبر، مواجهه بین‌فرهنگی با داستان‌های معراج اسلامی (The Prophet's Ascension: Cross-Cultural Encounters with the Islamic Miraj Tales)* کار مشترکی از فردریک کولبی و کریستین گروبر است که در آن مجموعه مقاله‌هایی از نویسندگان مختلف گردآوری شده است. در این کتاب به معرفی و بررسی معراج پیامبر (ص) و دوره‌های تاریخی و موضوعات مختلف و پراکنده در این باره پرداخته شده است.

همچنین برخی پژوهشگران ایرانی به موضوع معراج پیامبر (ص) پرداخته‌اند که با پژوهش ما ارتباط مستقیمی ندارند، از جمله مقاله «بررسی تطبیقی معراجیه‌های خمسه نظامی با نگاه موردی به سه معراج‌نامه کتاب المعراج، معراج النبی، و الاسراء و المعراج»، سعید قاسمی پرشکوه و عباسعلی وفایی، *فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، پاییز و زمستان ۱۳۹۲؛ و مقاله «معراج‌نامه نگین درخشان نگارگری ایلخانی»، لاله شمسی و پریسا شاد قزوینی، *نشریه هنرهای زیبا*، زمستان ۱۳۸۵ و مقالاتی از این قبیل.

### ۳. روایت ابن عباس در کتاب حدیث/الاسراء و المعراج

روایت ابن عباس گزارشی از معراج از زبان پیامبر (ص) است. روایت ابن عباس شباهت بسیاری به داستان معراج‌نامه ایلخانی دارد. در هر دو روایت نام طبقات آسمان و فرشتگان موکل بر آن آورده می‌شود که این ویژگی در دیگر معراج‌نامه‌ها به صورت کامل موجود نیست. البته بخش‌هایی در معراج‌نامه ایلخانی موجود است که در روایت ابن عباس وجود ندارد، مانند شستن دل پیامبر و یا تفاوت‌هایی در مکان دیدار با پیامبران و نمازگزاردن با ایشان وجود دارد. پیامبر بنا بر روایت ایلخانی در بیت المقدس با تمامی پیامبران دیدار می‌کند و با ایشان نماز می‌گزارد، در حالی که در روایت ابن عباس این دیدار و نماز در طبقات آسمان اتفاق می‌افتد. در اینجا گزیده‌ای از روایت ابن عباس نقل می‌شود:

ابن عباس از پیامبر (ص) نقل کرده است: در خانه‌ام هانی دختر ابی طالب رضی الله عنها به اسم فاخته بودم که معراج در دومین شب و در بیست و هفتم رجب سال هشتم بعثت اتفاق افتاد. فاطمه زهرا رضی الله عنها در آن زمان نه سال داشت. نیمه شب کسی بر در کوید، فاطمه (ع) در را گشود و جبرئیل را دید که دو بال سبزش مشرق و مغرب را پوشانده و بر پیشانی‌اش نوشته شده بود لا إله إلا الله محمد رسول الله و اعلام کرد که به دنبال پیامبر خدا آمده است.

پیامبر (ص) لباس بر تن می‌کند و با جبرئیل (ع) همراه می‌شود. دلیلی بر جسمانی بودن معراج از دیدگاه ابن عباس { و جبرئیل به او می‌گوید که امشب با پروردگارت مناجات خواهی کرد.

پیامبر همراه با جبرئیل به سوی صحرا روان می‌شود و ناگهان براق را می‌بیند، حیوانی که شبیه چهارپایان و درشت‌تر از الاغ و کوچک‌تر از قاطر است. صورتش مانند صورت انسان و بدنش مانند بدن اسب است. پیامبر (ص) از دیدن براق تعجب می‌کند. جبرئیل از پیامبر می‌خواهد که سوار بر براق شود، اما براق از این کار امتناع می‌کند. جبرئیل به او نهیب می‌زند که این حبیب خدا و فرستاده رب العالمین است و براق شرط سوار شدن پیامبر (ص) بر پشتش را شفاعت او در روز قیامت اعلام می‌کند. پیامبر می‌پذیرد، بر براق سوار می‌شود و میان آسمان و زمین به راه می‌افتند. در وادی عقیق می‌ایستند و نماز می‌خوانند. دوباره سوار می‌شوند و به راه می‌افتند. ندهایی از راست و چپ به گوش پیامبر (ص) می‌رسد که اعتنایی نمی‌فرماید. با زنی (کنایه از دنیا) روبه‌رو می‌شود و صدایی

هولناک می‌شنود و باز اعتنایی نمی‌کند و به راهشان ادامه می‌دهند و ناگهان خود را در بیت‌المقدس می‌بینند.

در بیت‌المقدس سه جام شیر و آب و شراب به پیامبر (ص) تعارف می‌کنند و پیامبر شیر را می‌نوشد و اندکی از آن باقی می‌ماند. پیامبر (ص) و جبرئیل (ع) از نردبان گوه‌رینی که روی صخره بود بالا می‌روند تا آسمان دنیا که فاصله‌اش از زمین پنجاه ساله راه بود پیامبر مقام عابدان و ملائکه تسبیح‌کننده را می‌بیند. جنس این آسمان از دود و نام آن رفیعه و نام خازن آن اسماعیل بود. دو رود نیل و فرات در آن جاری بودند و ملکی عظیم که نیمی از برف و نیمی از آتش در آنجا بود.

پیامبر و جبرئیل فاصله آسمان دوم تا آسمان دنیا را که پنجاه ساله راه و جنسش از آهن و نامش ماعون بود در چشم بر هم زدنی می‌پیمایند. دو پیامبر یحیی بن زکریا و عیسی بن مریم (ع) در این آسمان حضور دارند که پیامبر با ایشان نماز می‌گزارد.

سپس در کمتر از چشم برهم زدنی از آسمان سوم بالا می‌روند و میان آن آسمان و آسمان دوم پنجاه سال راه بود و بلندی آن مانند آسمان دوم بود. آنجا آسمانی بود از مس که به آن مزینه گفته می‌شود. در این آسمان پیامبر داوود و سلیمان و یوسف بن یعقوب را ملاقات می‌فرماید و با آنها نیز دو رکعت نماز می‌گزارد.

آسمان چهارم آسمانی بود از نقره سفید که به آن زاهره گفته می‌شود. پیامبر در این آسمان ادریس پیامبر و ملک‌الموت را مشاهده می‌فرماید و عزرائیل نحوه گرفتن جان انسان‌ها را به پیامبر توضیح می‌دهد. همچنین حضرت ابراهیم نیز در این آسمان است و به پیامبر (ص) تهنیت می‌گوید.

میان آسمان پنجم و آسمان چهارم نیز پنجاه سال فاصله بود. آسمانی از طلای سرخ و نام آن منیره بود. پیامبر در این آسمان جهنم و انواع عذاب‌ها و عذاب‌شوندگان را می‌بیند. پیامبر (ص) پس از آنکه به آسمان پنجم و عجایب آن نگاه کرد، سپس ملائکه صف بستند، پیش رفت و با آنان دو رکعت نماز خواند، سپس به آسمان ششم رفت.

آسمان ششم آسمانی بود از یاقوت سبز نامش خالصه. پیامبر (ص) در این آسمان فرشته‌ای بزرگ را می‌بیند که بر کرسی نور نشسته نیمی از آن برف و نیم دیگرش از آتش بود. نه آتش برف را ذوب می‌کرد و نه برف آتش را خاموش. هم‌چنین

موسی بن‌عمران هم در این آسمان بود و پیامبر به همراهی او و ملائکی که به صف ایستاده بودند دو رکعت نماز گزارد.

در کمتر از چشم بر هم زدن به آسمان هفتم رفتند. آسمانی بود از در سفید که به آن عجیبه می‌گفتند. پیامبر حضرت آدم را که به بیت‌المعمور تکیه داده است در این آسمان می‌بیند. از این آسمان سوار بر رفرفی سبز می‌شود و بعد از پیمودن دریا‌هایی از انواع نورها میکائیل را می‌بیند و از او چرایی نام‌گذاری میکائیل، جبرئیل، اسرافیل، عزرائیل را می‌پرسد. سپس پیامبر به عرش می‌رسد و اسرافیل را در آنجا می‌بیند و همچنین فرشته‌ای که چهره‌ای مانند خروس داشت، گردنش زیر عرش و پاهایش در عمق زمین بود. پس از دیدن کروبیان و فرشتگان هزاران هزار حجاب را می‌پیماید و پس از حجاب علو و برتری و از آنجا به حجاب کبریا و از آنجا به حجاب حضرت الهی می‌رسد.

در اینجا به امر خداوند حجاب میان خدا و پیامبر برداشته می‌شود و خداوند با حبیبش سخن می‌گوید. پیامبر در این دیدار برای امتش نزد خداوند شفاعت میکند و به توصیه موسی از خداوند درخواست می‌کند تا نماز را از پنجاه نوبت به پنج نوبت تخفیف دهد.

پیامبر (ص) در راه بازگشت جبرئیل را همان‌جا که ترک کرده می‌یابد و بهشت و جنت و مالک بهشت، رضوان را می‌بیند.

سفر پیامبر پایان می‌یابد و همراه جبرئیل به مکه بازمی‌گردد. جبرئیل از پیامبر (ص) می‌خواهد هنگام صبح با قومش درباره امور عجیبی که در این شب مشاهده کرده است سخن بگوید و آن‌ها را به رحمت خداوند تعالی بشارت دهد. پیامبر از ترسش از تکذیب سفر شبانه‌اش می‌فرماید، اما جبرئیل می‌گوید: اگر تو را تکذیب کنند ابوبکر تو را تصدیق می‌کند.

پیامبر به بستر می‌رود پس از نماز صبح به مسجد می‌رود و از سفر شبانه‌اش به مردم خبر می‌دهد. پیامبر (ص) برای تصدیق سخنانش به امر خداوند و به کمک جبرئیل و به تصدیق ابوبکر نشانی‌های مسیر بیت‌المقدس را می‌دهد و ماجرای شتر گمشده بنی مخزوم را تعریف می‌کند که با رسیدن این قوم و تأییدشان سخنان پیامبر تأیید می‌شود.

#### ۴. مقایسه مکان شروع معراج در معراج‌نامه‌ها

در معراج‌نامه‌های مختلف تفاوت زیادی میان مکان شروع معراج پیامبر (ص) وجود دارد. در کتاب حدیث‌الاسراء و المعراج ابن عباس به دقت و سواس گونه‌ای مکان شروع معراج خانه ام‌هانی بیان شده است. او از زبان پیامبر (ص) چنین می‌نویسد: «در خانه ام‌هانی دختر ابی طالب رضی الله عنها به اسم فاخته بودم». در تفسیر طبری آمده است که معراج دوبار بود؛ یکبار از مسجدالحرام در مکه او را مستقیم به آسمان بردند و بار دیگر از مسجدالحرام در مکه به بیت‌المقدس و از آنجا به معراج بردند.

قشیری احادیث مختلفی را با سلسله روایان هر حدیث را نقل می‌کند که از حوصله این مقاله به دور است، مثلاً درباره مسئله مکان شروع معراج از قول روایان مختلف از قول پیامبر (ص) می‌نویسد که من در حطیم بودم یا می‌نویسد که من در حجر کعبه بودم یا من در حالت خواب و بیداری بودم در کشف‌الاسرار، تاج‌التراجم و روض‌الجنان دو روایت از مکان معراج وجود دارد که یکی از آن روایات در مسجدالحرام و دیگری در خانه ام‌هانی<sup>۷</sup> از مکه بوده است.

در روض‌الجنان چنین آمده است: «گفتند: [معراج] یک بار بود و گفتند: دو بار بود؛ یکبار از مسجدالحرام و یکبار از خانه ام‌هانی بنت ابی طالب و گفته‌اند: بسیار بارها بود». البته در معراج‌نامه ایلخانی معراج پیامبر (ص) به دو سفر تقسیم می‌شود؛ یکی سفر شبانه زمینی (اسرا) و دیگری معراج به آسمان. همچنین در این تفسیر سه مکان دیگر برای معراج جز خانه ام‌هانی بیان شده است: یکی خانه خدیجه (س)، میانه صفا و مروه و خانه عبدالله بن عباس (معراج‌نامه خطی، ص ۲۷)<sup>۸</sup>.

عنوان اثر	مکان شروع معراج در معراج‌نامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	خانه ام‌هانی دختر ابی طالب به اسم فاخته
کتاب المعراج	خانه پیامبر. در حطیم. در حجر کعبه. نزدیک بیت. خانه ام‌هانی
تفسیر طبری	مسجدالحرام، مکه
تاج‌التراجم	مسجدالحرام یا خانه ام‌هانی از مکه
سورآبادی	خانه ام‌هانی، مکه
کشف‌الاسرار	مسجدالحرام یا خانه ام‌هانی، مکه
روض‌الجنان	مسجدالحرام یا خانه ام‌هانی، مکه

معرجانامه ایلخانی	خانه ام‌هانی، خانه خدیجه (س)، میانه صفا و مروه و خانه عبدالله بن عباس، (معرجانامه خطی، ۲۷).
-------------------	--

## ۵. مقایسه زمان شروع معراج در معراج‌نامه‌ها

در اغلب تفاسیر، به زمان معراج اشاره دقیقی نشده است. اما راوی حدیث *الاسراء و المعراج* تاریخ دقیقی از این ماجرا ارائه می‌کند: شب دوشنبه، بیست و هفتم رجب سال هشتم بعثت. طبری آن را پیش از هجرت می‌نویسد. در این میان، تفسیر *سورآبادی* زمان معراج را شب دوشنبه ربیع‌الاول دانسته و تاریخ دقیقی برای آن در نظر نگرفته است. قشیری تنها به اجمال سه روایت در این باره را ذکر می‌کند.

در *معرجانامه ایلخانی* در این باره آمده است: «شب دوشنبه هفده روز گذشته از رمضان پیش از هجرت به ده ماه» (معرجانامه خطی، ۷۲) که در این روایت، شب دوشنبه با روایت *سورآبادی* و *کشف‌الاسرار* مشترک و ماه رمضان در *کشف‌الاسرار* هم ذکر شده است. در تفسیر *کشف‌الاسرار* نیز به روایتی ۱۳ ماه ربیع‌الاول آورده شده و روز دیگری که برای شروع معراج روایت شده ۱۹ رمضان، یعنی ۱۸ ماه پیش از هجرت است.

عنوان اثر	مقایسه زمان شروع معراج در معراج‌نامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	شب دوشنبه، بیست و هفتم رجب سال هشتم بعثت در نه‌سالگی حضرت فاطمه
کتاب‌المعراج	شش ماه قبل از هجرت - یک سال قبل از هجرت - قبل از نزول وحی
تفسیر طبری	پیش از هجرت
تاج‌التراجم	
سورآبادی	شب دوشنبه ربیع‌الاول
کشف‌الاسرار	۱۹ رمضان هجده ماه پیش از هجرت، شب دوشنبه ۱۳ ربیع‌الاول
روض‌الجنان	پیش از هجرت به یک سال
معرجانامه ایلخانی	شب هفدهم رمضان - ماه رجب - ماه ربیع‌الاول - شب دوشنبه هفده روز گذشته از رمضان پیش از هجرت به ده ماه - نه سالگی حضرت فاطمه (معرجانامه خطی، ۷۲)

## ۶. فرشتگان همراه پیامبر در معراج

در معراج‌نامه‌های متعدد بر حضور جبرئیل اتفاق نظر وجود دارد، در روایت ابن عباس تنها از جبرئیل نام برده می‌شود. ولی در برخی معراج‌نامه‌ها از جمله *تاج‌التراجم*، *کشف‌الاسرار* و

معراجنامهٔ ایلیخانی در کنار جبرئیل از میکائیل نیز نام برده می‌شود که پیامبر (ص) را همراهی می‌کردند. در تفسیر سورآبادی، مفسر علاوه بر جبرئیل و میکائیل و ۷۰ هزار فرشته در یک‌سو، اسرافیل را با هفتاد هزار فرشته دیگر در سوی دیگر همراه و بدرقه‌کننده پیامبر (ص) دانسته است (قصص قرآن مجید، ۱۳۷۰:۱۹۳). قشیری در کتاب المعراج در روایتی از همراهی جبرئیل یاد می‌کند و در روایتی دیگر به همراهی جبرئیل و میکائیل و فرشتگانی اشاره می‌کند.

در تفسیر طبری و روض‌الجنان فقط از جبرئیل به منزلهٔ فرشتهٔ همراه در معراج نام برده شده است. در معراجنامهٔ ایلیخانی همچنین آمده است که پیامبر (ص) در دیدار نخستش با جبرئیل طاقت دیدار صورت واقعی او و تاب تحمل آن هیبت را نداشته و زان پس جبرئیل همواره به صورت دحیه کلبی بر او ظاهر می‌شده است. جبرئیل در شب معراج به درخواست پیامبر (ص) به هیبت و ظاهر اصلی خود رسول گرامی اسلام را همراهی می‌کرده است (معراجنامه خطی، ۸۷).

عنوان اثر	فرشتگان همراه در معراج در معراجنامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	جبرئیل
تفسیر طبری	جبرئیل
کتاب المعراج	جبرئیل - جبرئیل و میکائیل و گروهی از فرشتگان
تاج‌التراجم	جبرئیل و میکائیل
سورآبادی	جبرئیل و میکائیل و ۷۰ هزار فرشته در یک‌سو، اسرافیل ر با ۷۰ هزار فرشته دیگر در سوی دیگر
کشف‌الاسرار	جبرئیل و میکائیل
روض‌الجنان	جبرئیل و فرشته‌ای دیگر
معراجنامهٔ ایلیخانی	جبرئیل و میکائیل (معراجنامه خطی، ۸۷)

## ۷. شکافتن سینه و شستن قلب پیامبر (ص)

این بخش از روایت معراج در معراجنامه‌های مختلف محل اختلاف زیادی است، تا آنجا که این روایت در تفسیر سورآبادی و طبری که قدیمی‌تر از بقیه تفاسیرند، وجود ندارد و در روض‌الجنان این حدیث عقلاً و شرعاً منکر دانسته شده است.



ابن عباس نیز در حدیث‌الاسراء هیچ اشاره‌ای نه به صراحت و نه حتی تلویحی به این مسئله نمی‌کند. قشیری چنانکه شیوه برگزیده اوست به نقل از راویان چند حدیث را بی‌هیچ شاخ و برگی در این باره ذکر می‌کند. دو راوی به تشتی پر از حکمت و ایمان و دو راوی به تشتی زرین پر از آب زمزم اشاره می‌کنند و یک راوی می‌گوید که تشتی طلائی پر از حکمت و ایمان آوردند و سینه مرا شکافتند و قلب مرا در آب زمزم شستند.

در تاج‌التراجم و معراجنامه ایلخانی این حکایت به تفصیل و با شاخ و برگ‌های فراوان آورده شده است. در تاج‌التراجم کیفیت این روایت به این صورت آمده است که جبرئیل از میکائیل می‌خواهد سه بار تشتی را با آب زمزم پر کرده و برای او بیاورد (اسفراینی، ۱۳۷۴، ج ۳: ص ۱۲۳۱). در این دو اثر و همچنین کتاب کشف‌الاسرار استفاده از آب زمزم در تشت به صورت مشترک آمده است.

پس از شستن دل در این روایت در تاج‌التراجم آمده که جبرئیل غل و غش را از دل پاک کرده و آن را با علم، حلم و ایمان پر می‌کند (همان). در کشف‌الاسرار آمده که از ایمان و حکمت پر می‌کند (مبیدی، ۱۳۸۲: ۴۸۴) و در معراجنامه ایلخانی با تفصیل بیشتری اشاره می‌کند که در سه مرحله دل را از پلیدی‌ها می‌پالاید: «چند نخود سنگی سیاه بیرون آورد و بینداخت (حظ دیو)... حظ دنیا... و حظ نفس... و به علم، حکمت و نور بیاگند» (معراجنامه خطی، ۷۲) و در پایان جبرئیل پر خود را بر سینه حضرت می‌کشد و آن را به حالت اولیه برمی‌گرداند.

عنوان اثر	شکافتن سینه و شستن قلب پیامبر (ص)
حدیث‌الاسراء و المعراج	
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	تشتی پر از حکمت و ایمان-تشتی از طلا پر از آب زمزم. تشتی طلائی پر از حکمت و ایمان
تاج‌التراجم	تشتی از آب زمزم- پاک کردن غل و غش از دل و پر کردن آن با علم، حلم و ایمان
سورآبادی	
کشف‌الاسرار	تشتی از آب زمزم- پر کردن از ایمان و حکمت
روض‌الجنان	این حدیث را عقلاً و شرعاً منکر می‌داند
معراجنامه ایلخانی	تشتی از آب زمزم- سه مرحله از پاک کردن- پر کردن با علم، حکمت و نور (معراجنامه خطی، ۷۲)

## ۸. توصیف مرکب معراج در معراج‌نامه‌های مختلف

در حدیث *الاسراء و المعراج* براق بهترین حیوان دنیا دانسته شده است. در این روایت آمده که براق حیوانی است بزرگ‌تر از الاغ و کوچک‌تر از قاطر با این تفاوت که صورتش مانند انسان و بدنش مانند اسب است (ابن عباس، ۱۴۰۷: ۳-۴). در کتاب *المعراج* در روایتی تنها به ذکر نام براق پرداخته شده است.

در *تاج التراجم* براق متعلق به حضرت ابراهیم (ع) دانسته شده که با آن برای دیدار حضرت اسماعیل (ع) از شام به مکه رفت و دوباره شب‌هنگام به نزد ساره بازگشت (اسفراینی، ج ۳؛ ص ۱۲۳۲) و در تفسیر طبری نیز همین وصف آمده است. صاحب *روض الجنان* نیز براق را اسب حضرت ابراهیم خلیل دانسته است (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۵: ۱۳۰).

در همه معراج‌نامه‌ها به صورت مشترک به امتناع براق از نشستن پیامبر (ص) بر پشتش اشاره شده که در این روایات، بعضی درخواست براق از حضرت را برای آن دانسته‌اند که در قیامت هم مرکب ایشان باشد. همچنین در تفسیر طبری و *روض الجنان* آورده شده که براق بر در مسجد الحرام ایستاده بود تا پیامبر (ص) بیاید و بر او سوار شود. در *تاج التراجم* و تفسیر *سورآبادی* بندی برای تذکر و هشدار به جبرئیل آمده که محمد (ص) از همه پیامبران گرامی‌تر است.

عنوان اثر	توصیف مرکب معراج در معراج‌نامه‌های مختلف
حدیث <i>الاسراء و المعراج</i>	روی چون آدمیان. بدن چون اسب. بزرگ‌تر از الاغ کوچک‌تر از قاطر. تاجش از مروارید با شاخه‌هایی از یاقوت. گوشش از زمرد. یکی از سه طوق پایش آراسته به مروارید و جواهر
تفسیر طبری	
کتاب <i>المعراج</i>	چهارپایی کوچک‌تر از استر و بزرگ‌تر از خر. سفیدرنگ. چهارپایی با صورتی مانند انسان و بدنی همچون چهارپایان. آراسته به انواع زینت- در روایتی نام این مرکب برقه آورده شده است. در روایت دیگر: صورت چون انسان و گونه همچون اسب. چشم‌هایش چون زهره و مریخ. دم مثل گاو. یالش از مروارید بافته. دو بال مثل دایره ماه.
<i>تاج التراجم</i>	روی آدمیان- مهتر از خر و کهنتر از استر- دنبال شتر- عرف اسب- پای استر- پشت مروارید- اضلاف گاو- سینه یاقوت سرخ- حلی بر وی از رحل‌های بهشت
<i>سورآبادی</i>	مهتر از حمار و کهنتر از بغل (استر)- روی مردم- سر اسب- گردن شتر- سینه شیر- پشت شتر- پای گاو- دنبال پیل- رکاب از یاقوت سرخ- زین مروارید- لگام زبرجد سبز
<i>کشف الاسرار</i>	دابه‌ای از درازگوش مه و از استر کم- روی مردم- گوش فیل- عرف اسب- پای اشتر- دنب

گاو- چشم ستاره زهره- پره‌های براق از جواهر مکمل- دنبال پیل- پشت چون یاقوت سرخ- شکم زمرّد- رحلی از زر و حریر بهشت	
پر طاووس یا پر کرکس- دنبال شتر یا گاو- موی پیشانی یا سینه به یاقوت سرخ- سم گاو- بر اسب- دست و پای شتر- پشت درّ سپید- روی آدمیان- خد اسپ- بر مروارید- شکمش سیم سپید- چشم‌هایش زهره و مریخ و...	روض‌الجنان
اسبی از استر فروتر و از خر بزرگ‌تر- روی آدمی- گوش پیل- پشت اسب- پای استر- دنبال گاو- پشتش از مرجان- گوش از زمرّد سبز- پر مروارید- سرش یاقوت سرخ- شکم از مرجان سرخ- چشم ستاره تابان- زمامش از نور (معراجنامه خطی، ۱۰۷)	معراجنامه ایلیخانی

### ۹. ندهایی که پیامبر (ص) در آن شب شنید

در اغلب معراجنامه‌ها سه ندا در آسمان شنیده می‌شود که پیامبر (ص) التفاتی به آن‌ها نمی‌کند و می‌گذرد. نقل این صداها که از سمت چپ و راست و پیش روی پیامبر بلند می‌شوند در همه منابع مشترک‌اند؛ اما در روایت ابن عباس با تفاوت اندکی نقل شده است. در این بخش از داستان محمد (ص) ابتدا فریادی از راست و بعد از چپ می‌شنود، پس از آن زنی زیبا، آراسته به انواع جواهرات بر او عرضه می‌شود، سپس صدای عظیمی را می‌شنود. پس از مدتی جوانی زیبارو را می‌بیند که پیامبر (ص) او را در آغوش می‌گیرد. پیامبر (ص) از جبرئیل رمز این نداها و افراد را می‌پرسد، او می‌گوید که اولی داعی مسیحیت بود، اگر پاسخ می‌دادی پس از تو امتت مسیحی می‌شدند. دومی داعی یهودیت بود و پس از تو امتت یهودی می‌شدند. آن زن، دنیا بود؛ اگر پاسخش را می‌دادی پس از تو امتت دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دادند و آخری صخره ای است که پنجاه سال است در جهنم سقوط کرده است و جوان زیبارو دین بود؛ همانا امت تو با ایمان زندگی می‌کنند.

قشیری نیز در روایتی به ذکر این نداها می‌پردازد (انصاری، ۱۳۸۳: ۶۹).

در تاج‌التراجم فقط اشاره شده است که ندای سمت راست مربوط به جهودان است و به روبرو شدن با عجز اشاره می‌شود (ج ۳: ص ۱۲۳۲). مواجهه با عجز یا گنده پیر آراسته و زینت‌شده در همه معراجنامه‌ها وجود دارد.

در این منابع، بعضی تفاوت‌ها در گروه‌های منادی وجود دارد؛ برای مثال، در تفسیر طبری، ندای راست را ندای مهتر جهودان می‌داند که دجال (عبدالله بن الصاید) است که در آخر زمان به دست مهدی (عج) به هلاکت می‌رسد. (طبری، ۱۳۴۱: ۹۱۱).

در کشف الاسرار و روض الجنان و معراج‌نامه ایلیخانی این ندا را از آن جهودان می‌دانند یا همه این منابع ندای چپ را از آن مهتر ترسایان دانسته‌اند. در تفسیر سورآبادی دو ندای دیگر از پس که ندای مهتر گبران است و از زبر که ندای مهتر صائبان است، شنیده می‌شود. (عتیق نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۹۴)

در معراج‌نامه ایلیخانی تعداد نداها بیش از بقیه منابع آورده شده است. در این معراج‌نامه، علت اجابت نکردن نداها از سوی پیامبر (ص) را این دانسته‌اند که ایشان دعوت خدا را اجابت کرده، ادب نگاه داشته و نداهای دیگر را اجابت نکرده است.

در تمامی این منابع به این نکته اشاره شده است که اگر پیامبر (ص) به ندای مهتر جهودان پاسخ می‌داد، امت او به یهودیت میل می‌کرد یا اگر به مهتر ترسایان یا حتی به ندای دنیا پاسخ می‌داد امت او به یکی از این گروه‌ها یا دنیا مایل می‌شد.

عنوان اثر	نداهايي که پیامبر (ص) در آن شب شنید
حدیث‌الاسراء و المعراج	از راست مهتر مسیحیان. از چپ مهتر یهودان. مواجهه با زنی زیبا (دنیا). شنیدن صدایی عظیم (صخره‌ای در جهنم). دیدن جوانی زیبارو (دین) و در آغوش کشیدن او
تفسیر طبری	از راست مهتر جهودان - از پیش زنی (جهان) با پیرایه‌های بسیار - از چپ امیر ترسایان
کتاب المعراج	زنی خلخال برپا با گل‌بندی از مروارید (دنیا). از راست داعیه یهودیان و از چپ داعیه نصاری
تاج‌التراجم	ندای سمت راست مربوط به جهودان - روبه‌رو شدن با عجز
سورآبادی	از راست جهودان - از چپ ترسایان - از پس گبران - از فوق صائبان - از پیش صورت دنیا
کشف‌الاسرار	از راست داعیه یهود - از چپ داعیه ترسایان - از پیش صورت دنیا
روض‌الجنان	از راست داعیه جهودان - از چپ داعیه ترسایان - پیش‌رو عجز (دنیا)
معراج‌نامه ایلیخانی	از راست داعی جهودان - از چپ داعی گبران - از پس داعی ترسایان - از پیش مشرکان (معراج‌نامه خطی، ۱۲۲)

## ۱۰. محتویات جام‌ها در معراج

در معراج‌نامه‌های مختلف جام‌های متفاوتی را جبرئیل برای رفع عطش پیشکش پیامبر (ص) می‌کند؛ برای مثال ابن عباس می‌گوید: جبرئیل برای پیامبر (ص) سه جام آورد؛ یکی شیر، یکی شراب و یکی آب و پیامبر (ص) شیر را برگزید و بیشتر آن را خورد و اندکی را باقی گذاشت. جبرئیل گفت: «پیروزی را برگزیدی» (ابن عباس، ۱۴۰۷: ص ۵). در تفسیر طبری به‌طور کلی هیچ اشاره‌ای به جام‌ها نشده است.

قشیری در ضمن نقل چند روایت مختلف روایت‌هایی دربارهٔ جام‌های شبیه به هم ذکر می‌کند که جبرئیل برای پیامبر (ص) در یکی از آن‌ها شراب، در دیگری شیر و در ظرفی دیگر عسل می‌آورد و پیامبر (ص) شیر را برمی‌گزیند و جبرئیل می‌گوید که این همان سرشتی است که تو و امت تو بر آن هستید (انصاری، ۱۳۸۳: ۵۸).

در تاج‌التراجم دو جام حاوی می و شیر به ایشان داده می‌شود که پیامبر (ص) شیر را برمی‌گزیند (اسفراینی، ۱۳۷۴، ج ۳: ص ۱۲۳۲). در منابع دیگر نیز در یکی از جام‌ها می یا خمر نام برده می‌شود که هر بار پیامبر (ص) آن را برای نوشیدن انتخاب نمی‌کند و جام دیگری که اغلب جامی محتوی شیر یا آب است، اختیار می‌شود.

در تفسیر سوراآبادی، در مراحل فراتر و بعد از دیدن عذاب برخی گروه‌ها، دو فرشته که یکی دو قدح شیر و خمر و دیگری دو قدح آب و انگبین را برای حضرت می‌آورند که ایشان جز خمر از بقیه قدح‌ها می‌نوشد و جبرئیل شادباش می‌گوید که آب صافی‌ترین است و انگبین و شیر شفا هستند (عتیق نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۹۶).

مطابق آنچه در روض‌الجنان آمده است پیامبر (ص) از میان ظرف‌های آب و شراب، آب را برمی‌گزیند و در جایی دیگر هنگام انتخاب میان آب و شیر و شراب، اندکی آب و تمام شیر را می‌نوشد (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۵: ۱۳۲ و ۱۳۸).

در کشف‌الاسرار نیز مانند روض‌الجنان سه جام بعد از دیدار با پیامبران ذکر می‌شود، با این تفاوت که به جای آب، عسل در جامی ریخته شده که پیامبر (ص) از عسل نیز اندکی برمی‌گیرد (مبیدی، ۱۳۸۲، ج ۱۲: ص ۱۳۲). در معراجنامه ایلخانی نیز پس از دیدار با پیامبران آوردن جام‌ها و نوشیدن پیامبر (ص) ذکر می‌شود ولی در این منبع، دو روایت آورده شده که در یکی سه جام و در دیگری، چهار جام بوده است (معراجنامه خطی، ۱۸۷-۱۹۲). روایت ایلخانی به ابن عباس نزدیک‌تر است.

عنوان اثر	محتویات جام‌ها در معراج
حدیث‌الاسراء و المعراج	شیر- شراب- آب
تفسیر طبری	
کتاب المعراج	شراب- شیر- عسل
تاج‌التراجم	شیر- می
سوراآبادی	شیر- می- آب- انگبین

عسل - شیر - خمر	کشف‌الاسرار
آب - خمر / آب - شیر - شراب	روض‌الجنان
آب - شیر - می - انگبین (معراجنامه خطی، ۱۸۷-۱۹۲)	معراجنامه ایلیخانی

## ۱۱. دیدار با پیامبران

در معراجنامه‌های مختلف پیش از حرکت و بر شدن پیامبر (ص) و جبرئیل از سرزمین بیت المقدس، روایتی از دیدار ایشان با پیامبران و حتی نماز گزاردن با آن‌ها آورده می‌شود که این روایات تفاوت‌های اندک و شباهت‌های بسیار با یکدیگر دارند؛ در تفسیر طبری پیامبر در بیت المقدس ارواح پیامبران را ملاقات نمی‌کند بلکه این اتفاق در آسمان چهارم رخ می‌دهد. ابن عباس نیز مطلبی درباره دیدار پیامبر (ص) با پیامبران پیشین، تا پیش از رفتن به معراج نیاورده است و پس از بالا رفتن از آسمان‌ها حضرت محمد هر پیامبر را در آسمانی می‌بیند و دو رکعت نماز به اقتدا به حضرت محمد (ص) با هم نماز می‌گزارند. در تاج‌التراجم حضرت محمد (ص) روح پیامبرانی چون ادريس، نوح، عیسی و ابراهیم علیهم‌السلام را می‌بیند اما ذکر از نماز گزاردن نیامده است (تاج‌التراجم، ج ۳: ۱۲۳۶). در تفسیر سوره‌آبادی (عتیق نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۹۶) از آدم، نوح و ابراهیم (ع) نام برده شده و به دو رکعت نماز به امامت پیامبر اکرم (ص) اشاره شده که در روض‌الجنان، تفسیر کشف‌الاسرار و معراجنامه ایلیخانی نیز این نماز یادآور شده است.

روایات مذکور در روض‌الجنان (ابوالفتح رازی، ۱۳۶۵: ۱۳۷) و کشف‌الاسرار (میبدی، ۱۳۸۲: ۴۸۷) نیز مشابه روایت تاج‌التراجم هستند.

قشیری در بیشتر روایات جایگاه هر پیامبر را در آسمانی می‌نویسد. تنها در روایتی می‌نویسد که پیامبر (ص) پس از رسیدن به مسجد تمام پیامبران پیش از خود، از ادريس و نوح تا عیسی را دید و به پیش نمازی او، دو رکعت نماز با آن‌ها خواند (انصاری، ۱۳۸۳: ۸۳).

در معراجنامه ایلیخانی کیفیت این بخش از روایت معراج کاملاً متفاوت است و شاخ و برگ بیشتری دارد. محمد (ص) یکایک پیامبران از جمله آدم، نوح، ابراهیم و موسی (ع) را دیدار و با راهنمایی جبرئیل با هر یک از آنان گفتگو کرد (معراجنامه خطی: ۱۷۷).

عنوان اثر	دیدار با پیامبران در بیت المقدس
حدیث‌الاسراء و المعراج	
تفسیر طبری	
کتاب المعراج	تمام پیامبران پیش از خود را دید و با آنها نماز خواند
تاج‌التراجم	پیغمبرانی که از وقت ادريس و نوح بودند تا به وقت عيسى (ع) - ابراهيم (ع)
سورآبادی	آدم (ع) در پیش، نوح (ع) در پس او و سپس ابراهيم (ع)
کشف‌الاسرار	ابراهيم (ع) - موسی (ع) - داود (ع) - سلیمان (ع) - عيسى (ع)
روض‌الجنان	پیغامبران از عهد ادريس و نوح تا به روزگار عيسى (ع) - ابراهيم (ع) - موسی (ع) - داود (ع) - سلیمان (ع) - عيسى (ع)
معراجنامه ایلیخانی	آدم (ع) - نوح (ع) - ابراهيم (ع) - موسی (ع) - داود (ع) - سلیمان (ع) - ایوب (ع) - یونس (ع) (معراجنامه خطی: ۱۷۷)

## ۱۲. هفت آسمان در معراج‌نامه‌ها

در تمامی معراج‌نامه‌ها پیامبر از هفت آسمان می‌گذرد تا به عرش الهی راه یابد. هفت آسمان در معراج‌نامه‌ها را می‌توان بسیار گسترده‌تر و جزئی‌تر بررسی کرد، ولی با توجه به مجال اندکی که در این مقاله وجود دارد از بسط آن صرف‌نظر کرده و فقط آسمان‌ها را به اختصار در جدول ذیل بررسی می‌کنیم. می‌توانید با مشاهده جدول به اختلاف‌ها و شباهت‌ها پی ببرید:

هفت آسمان در معراج‌نامه‌ها	
عنوان اثر	آسمان اول در معراج‌نامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	نام آسمان اول رفیع‌ه - جنس از دود -
تفسیر طبری	
کتاب المعراج	حضرت آدم. نام آسمان اول رفیع است. مانند موج کف کرده است. - دیدن آتش بی‌نور جهنم - دیدن عذاب مال یتیم‌خوران، رباخوران، زناکاران و زنانی که فرزندی را به مردی نسبت می‌دهند -
تاج‌التراجم	حضرت آدم (ع)
سورآبادی	صورت عثمان ایستاده در نماز - آدم (ع)
کشف‌الاسرار	آدم (ع) - زانیان، مال یتیم‌خوران، سخن‌چینان - عالمان بی‌عمل -
روض‌الجنان	
معراجنامه ایلیخانی	جنس آسمان اول از زمرد سبز - نام آن برقیعا - حضرت آدم (ع) - دریایی اندر هوا ایستاده، نام وی قاضیه (معراجنامه خطی، ۲۰۲-۲۰۷)

عنوان اثر	آسمان دوم در معراجنامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	نام آسمان دوم ماعون-جنس از آهن- ملاقات با حضرت یحیی و حضرت عیسی
تفسیر طبری	
کتاب المعراج	یحیی و عیسی- نام آسمان دوم تیتا. جنس آن از مس.
تاج‌التراجم	عیسی بن مریم- یحیی بن زکریا
سورآبادی	
کشف‌الاسرار	عیسی بن مریم- یحیی بن زکریا
روض‌الجنان	عیسی بن مریم- یحیی بن زکریا
معراجنامه ایلیخانی	نام آسمان دوم افلون-جنس آسمان دوم از سیم سفید- یوسف (ع) (معراجنامه خطی ۲۲۲-۲۲۷)
عنوان اثر	آسمان سوم در معراجنامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	نام آسمان سوم مزینه-جنس از مس- ملاقات با حضرت داوود و حضرت سلیمان و حضرت یوسف
تفسیر طبری	
کتاب المعراج	یوسف-جنس آن از نقره- نام آن زیلون-
تاج‌التراجم	یوسف (ع)
سورآبادی	
کشف‌الاسرار	یوسف (ع)
روض‌الجنان	یوسف (ع)
معراجنامه ایلیخانی	جنس آسمان سوم از زر سرخ- نامش قیلدون- عیسی بن مریم- یحیی بن زکریا- (معراجنامه خطی، ۲۳۷-۲۴۱)
عنوان اثر	آسمان چهارم در معراجنامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	نام آسمان چهارم زاهره- جنس از نقره سفید- دیدار با ادریس و ابراهیم
تفسیر طبری	ارواح پیامبران (ع)- شجره طوبی- بیت‌المعمور
کتاب المعراج	ادریس- نام آن الماعون- جنس آن طلای زرد- دیدن قصر مریم، آسیه، خدیجه، مادر موسی و حضرت فاطمه
تاج‌التراجم	ادریس (ع)
سورآبادی	آفتاب از عصیان اهل زمین به خدای می‌نالید
کشف‌الاسرار	ادریس (ع)
روض‌الجنان	ادریس (ع)
معراجنامه ایلیخانی	جنس این آسمان از یاقوت سرخ- نام آن ماعون- - سلیمان (ع)- (معراجنامه خطی، ۲۵۲)
عنوان اثر	آسمان پنجم در معراجنامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	نام آسمان پنجم منیره- جنس از طلای سرخ- کنار رفتن پرده از جهنم و دیدن انواع



عذاب‌ها در جهنم	
	تفسیر طبری
هارون - جنس آن یاقوت سرخ - نام آن شقحین -	کتاب المعراج
هارون (ع)	تاج التراجم
	سورآبادی
هارون (ع) -	کشف الاسرار
هارون (ع)	روض الجنان
نام آسمان عیدون - جنس آن از یاقوت سبز - هارون (ع) - هفت طبقه دوزخ - درخت زقوم و رود گنده و رود غسلین - وادی‌های دوزخ - (معراجنامه خطی، ۲۷۷-۲۸۲)	معراجنامه ایلیخانی
آسمان ششم در معراجنامه‌ها	عنوان اثر
نام آسمان ششم خالصه - جنس از یاقوت سبز - ملاقات با حضرت موسی	حدیث الاسراء و المعراج
	تفسیر طبری
موسی - نام آسمان غزریون - جنس از زمرد سبز -	کتاب المعراج
موسی (ع)	تاج التراجم
	سورآبادی
موسی (ع) - بیت‌العزه جای دبیران و نویسندگان	کشف الاسرار
موسی (ع)	روض الجنان
نام آسمان غزریون - جنس این آسمان از مروارید سفید - موسی (ع) - (معراجنامه خطی، ۳۵۲-۳۵۷)	معراجنامه ایلیخانی
آسمان هفتم در معراجنامه‌ها	عنوان اثر
نام آسمان هفتم عجیبه - جنس از مروارید سفید - دیدار با حضرت آدم - دیدن بیت‌المعمور و طواف با فرشتگان گرد بیت‌المعمور هفت مرتبه.	حدیث الاسراء و المعراج
	تفسیر طبری
ابراهیم - جنس از نور - نام آن مرشمعوا -	کتاب المعراج
اشمط (ابراهیم (ع)) بر کرسی نشسته - گروهی سفیدروی (توبه‌کنندگان) - بیت‌المعمور - سدره‌المنتهی	تاج التراجم
- مشاهده دوزخ و بهشت - دو کوشک از آن حسن و حسین (ع) - سدره‌المنتهی	سورآبادی
ابراهیم (ع) - بیت‌المعمور - سدره‌المنتهی - چهار جوی	کشف الاسرار
ابراهیم (ع) و گروهی سفیدروی - بیت‌المعمور - سدره‌المنتهی	روض الجنان
جنس از نور - نام آن عرنیا - بیت‌المعمور - ابراهیم (ع) دریایی از نور و دریایی از تاریکی و دریایی از آتش - کوه‌هایی از برف و دریاهایی از آتش و برف اندر آن - بحر مسجور - سدره‌المنتهی - چهار جوی بهشتی - مقام جبرئیل - مقام میکائیل (معراجنامه خطی، ۳۸۷-۳۹۲)	معراجنامه معراجنامه خطی

### ۱۳. نام فرشتگان

از آنجاکه نام فرشتگان به ما کمک می‌کند که اثرپذیری روایات از یکدیگر را شناسایی کنیم در این قسمت به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

فرشتگان در هفت آسمان در معراجنامه‌ها	
عنوان اثر	فرشتگان آسمان اول در معراجنامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	فرشتگان تسبیح‌گوی-فرشته‌ای به نام اسماعیل (خزانه‌دار آسمان) که ملک هفتاد هزار فرشته بود-فرشته موکل اطراف آسمان‌ها با تنی که نیمی از آن از برف و نیمی از آتش
تفسیر طبری	فرشتگان تسبیح‌گوی
کتاب المعراج	فرشته‌ای به نام اسماعیل که ملک دوازده هزار فرشته بود-دیدار با مالک و خازن جهنم -در روایت دیگر: فرشته‌ای شبیه خروس-فرشته‌ای نیمی از برف و نیمی از آتش-فرشته مرگ-منکر و نکیر- در روایت دیگر: خازن دوزخ. در روایت دیگر: فرشته‌ای اذان می‌گوید و از پشت پرده کسی (خدا یا فرشته‌ای؟) تصدیق می‌کند.
تاج‌التراجم	خروس سفید-فرشته‌ای نیمی از آتش، نیمی از برف-ملک‌الموت-خازن دوزخ-فرشتگان بی‌شمار چندین روی میان دو کتف و چندین روی بر سینه و بر هر رویی چندین دهن و هر دهنی چندین زبان تسبیح‌گویان
سورآبادی	فرشته‌ای به نام اسماعیل - فرشتگان تسبیح‌گوی- خروس سپید
کشف‌الاسرار	فرشته‌ای به نام اسماعیل - خروس سپید
روض‌الجنان	خروسی سپید- فرشته‌ای نیمی از آتش، نیمی از برف- ملک‌الموت- مالک فرشته نگاهبان دوزخ- فرشتگان بسیار با روی‌های بسیار
معراجنامه معراجنامه خطی	خزانه‌دار فرشته‌ای به نام اسماعیل- خروس سپید (معراجنامه خطی، ۲۰۲-۲۱۲)
عنوان اثر	فرشتگان آسمان دوم در معراجنامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	فرشتگانی مجهز برای پیروزی اسلام.
تفسیر طبری	فرشتگان تسبیح‌گوی
کتاب المعراج	نام خازن آن رفائیل
تاج‌التراجم	
سورآبادی	فرشتگان سوره فاطر می‌خوانند
کشف‌الاسرار	
روض‌الجنان	
معراجنامه معراجنامه خطی	نام خازنش اوراقیابیل-قابیل فرشته- فرشته‌ای نیمی از آتش، نیمی از برف (معراجنامه خطی، ۲۲۲-۲۳۷)-
عنوان اثر	فرشتگان آسمان سوم در معراجنامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	ملانکه شب قدر و ماه رمضان

مقایسه تطبیقی ساختار روایت معراج ... (ناهیده کاظم‌زاده و مریم حسینی) ۲۸۳

	تفسیر طبری
نام خزانه‌دار آن کوكب یالیل	كتاب المعراج
	تاج‌التراجم
فرشتگان سوره والطور می خواندند	سورآبادی
	كشفاالاسرار
	روض‌الجنان
- نام خازن آن كوكبائل - فرشتگان غازی - (معراجنامه خطی، ۲۳۷-۲۴۷) -	معراجنامه معراجنامه خطی
فرشتگان آسمان چهارم در معراجنامه‌ها	عنوان اثر
دیدن گروهی از ملائکه و دیدن عزرائیل و سخن گفتن با عزرائیل	حدیث‌الاسراء و المعراج
فرشتگانی نیمی از برف و نیمی از آتش - خروس سپید - عزرائیل -	تفسیر طبری
نام خزانه‌دار مؤمن یالیل	كتاب المعراج
	تاج‌التراجم
فرشتگان سوره الزمر می خواندند - عزرائیل با لوح - فرشته‌ای در حال عبادت که پیش پای حضرت برنمی خیزد	سورآبادی
	كشفاالاسرار
	روض‌الجنان
- خازن آن مومبائیل - عزرائیل - (معراجنامه خطی، ۲۵۲-۲۶۲)	معراجنامه معراجنامه خطی
فرشتگان آسمان پنجم در معراجنامه‌ها	عنوان اثر
دیدن خازن جهنم.	حدیث‌الاسراء و المعراج
	تفسیر طبری
نام خزانه‌دار شططع یالیل -	كتاب المعراج
	تاج‌التراجم
فرشتگان سوره الرحمن می خواندند	سورآبادی
فرشتگانی نیمی از برف و نیمی از آتش	كشفاالاسرار
	روض‌الجنان
خازنش سقطبائیل - مالک دوزخ - (معراجنامه خطی، ۲۷۷-۳۱۲)	معراجنامه معراجنامه خطی
فرشتگان آسمان ششم در معراجنامه‌ها	عنوان اثر
موکل اطراف آسمان‌ها که نیمی از برف و نیمی از آتش بود.	حدیث‌الاسراء و المعراج
	تفسیر طبری
نام خزانه‌دار روعن یالیل	كتاب المعراج
	تاج‌التراجم
فرشتگان سوره طه می خواندند - خیل فرشتگانی که پایان نداشت - فرشتگانی نیمی از برف و نیمی از آتش	سورآبادی

	کشف‌الاسرار
	روض‌الجنان
خازن آن روعیائیل - فرشته با هفتاد هزار سر با نام روح - فرشتگان کروبیان (معراجنامه خطی، ۳۵۲-۳۶۲)	معراجنامه معراجنامه خطی
فرشتگان آسمان هفتم در معراجنامه‌ها	عنوان اثر
دیدار با فرشتگانی به نام روحانیون - فرشتگان گرد بیت‌المعمور	حدیث‌الاسراء و المعراج
	تفسیر طبری
نام خزانه‌دار نوریلیل. دیدن فرشته‌ای از نور که همان روح در قرآن است.	کتاب المعراج
فرشتگان سراپا سر بودند و روی و زبان و تسبیح می‌گفتند	تاج‌التراجم
دیدار مالک، نگهبان دوزخ - دیدار رضوان، نگهبان بهشت -	سورآبادی
ملک‌الموت -	کشف‌الاسرار
	روض‌الجنان
نام خزانه‌دار نوریلیل - فریشتگانی که نور از دهان‌های ایشان بیرون می‌آمد - فریشتگان بیت‌المعمور - رضوانیلیل - شمییلیل - هشمییلیل و افنایییل - خازنان بهشت صاعدیایییل و رقیایییل و عصییایییل - و فرشتگان بحر مسجور - (معراجنامه خطی، ۳۸۷-۴۶۲)	معراجنامه معراجنامه خطی

## ۱۴. فرود آمدن

در حدیث‌الاسراء و المعراج آمده است که پیامبر (ص) پس از دیدار با خداوند وقتی که محضر خداوند را ترک کرد و پایین آمد در راه بازگشت دوباره حضرت موسی را دید. پیامبر (ص) به موسی گفت که خداوند پنجاه رکعت نماز بر امت من واجب کرد. حضرت موسی به پیامبر (ص) گفت که از خداوند تخفیف بخواه. خداوند صدای آن‌ها را شنید و از همان جا اجابت کرد و تعداد نمازها را به چهل و پنج نماز کاهش داد. موسی دوباره به پیامبر (ص) گفت که از خدا تخفیف بخواه. خداوند این میزان را به پنج رکعت کاهش داد (ابن عباس، ۱۴۰۷: ۲۴). ماجرای درخواست کاهش رکعت‌های نماز از سوی پیامبر که به راهنمایی حضرت موسی انجام می‌شود در بیشتر تفاسیر آمده است.

در حدیث‌الاسراء و المعراج پیامبر (ص) را پس از دیدار با خداوند فقط به دیدار بهشت می‌برند و دیدار پیش‌تر در دوزخ در آسمان پنجم اتفاق افتاده بود.

قشیری در روایتی می‌نویسد که پس از دیدار پیامبر با خدا، جبرئیل بهشت، علیین و درخت طوبی را نشان او می‌دهد.

مقایسه تطبیقی ساختار روایت معراج ... (ناهیده کاظم‌زاده و مریم حسینی) ۲۸۵

در تاج‌التراجم، تفسیر طبری، روض‌الجنان و کشف‌الاسرار پس از فرود و رسیدن مجدد به سدره‌المنتهی، دیدار بهشت و سپس دوزخ و توصیفات از آن آغاز می‌شود. در تفسیر سوراآبادی بازگشت پیامبر (ص) نزد جبرئیل و فرود بدون روایت آمده است. در معراجنامه معراجنامه خطی، پس از دیدار خداوند فقط حضرت را به دیدار بهشتیان می‌برند و دیدار دوزخ در آسمان پنجم اتفاق افتاده است.

عنوان اثر	فرود آمدن
حدیث‌الاسراء و المعراج	دیدار مجدد موسی - درخواست تخفیف برای نمازها به راهنمایی موسی از همان‌جا بدون اینکه نیاز باشد دوباره حجاب‌ها را طی کند. دیدار جبرئیل - همراهی جبرئیل با پیامبر (ص) تا در بهشت. دیدار رضوان بهشت. دیدار از بهشت
تفسیر طبری	هشت بهشت و هفت دوزخ - در آسمان چهارم دیدار موسی - بازگشت نزد خداوند و درخواست تخفیف در نماز برای امت - ارواح پیامبران در آسمان چهارم - نماز گزاردن در پیش آن‌ها - کوه قاف - جابلقا و جابلسا - دیدار یاجوج و مأجوج
کتاب‌المعراج	دیدن بهشت
تاج‌التراجم	دیدار بهشت و دوزخ - دیدار موسی در بهشت - بازگشت به سدره‌المنتهی و درخواست تخفیف در نماز برای امت - بازگشت مستقیم به خوابگاه
سوراآبادی	بازگشت با جبرئیل - سوار بر براق - بیت‌المقدس - بدرود با پیامبران
کشف‌الاسرار	دیدار بهشت - دیدار دوزخ - موسی کلیم - بازگشت نزد خداوند و درخواست تخفیف در نماز برای امت - برگشت به آسمان دنیا - دیدن شیاطین - سوار بر براق - بیت‌المقدس - مکه - بستر
روض‌الجنان	سوار بر رفرر تا سدره - دیدار بهشت - دیدار موسی - بازگشت نزد خداوند و درخواست تخفیف در نماز برای امت - در صحبت جبرئیل تا بستر
معراجنامه معراجنامه خطی	سوار بر رفرر - گذشتن از حجاب‌ها - جابلقا و جابلسا - سوار بر براق همراه جبرئیل - (معراجنامه خطی، ۴۸۲-۶۰۷)

## ۱۵. بازگشت به زمین

در حدیث‌الاسراء پیامبر (ص) درباره بازگشتش به زمین چنین می‌گوید: «هنگامی که به پایان آسمان دنیا رسیدم شب در حالت خود بود نه لحظه‌ای پیش آمده بود نه لحظه‌ای پس». نویسنده تفسیر طبری درباره بازگشت پیامبر (ص) شرح مبسوطی ارائه نکرده است و محل بازگشت پیامبر (ص) را کوه قاف می‌داند (طبری، ۱۳۴۱: ۹۱۸).

روایت *روض‌الجنان* به ابن عباس شبیه است (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۵: ۱۵۷-۱۵۸). روایت *کشف‌الاسرار* نیز به ابن عباس شبیه است (مبیدی، ۱۳۸۲: ص ۵۰۰). روایت تاج‌التراجم نیز بسیار شبیه روایت *روض‌الجنان* است (اسفراینی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۲۲۸). اما *معراجنامه معراجنامه خطی* در جزئیات با بقیه معراجنامه‌ها بسیار متفاوت است. معراجنامه خطی همچون *تفسیر طبری* می‌نویسد که پیامبر (ص) پس از رسیدن به این دنیا به جابلقا و جابلسا برده شد و از این دو شهر وصفی ارائه می‌کند (*معراجنامه خطی*، ۵۸۷). سپس جبرئیل پیامبر (ص) را به بیت‌المقدس می‌آورد.

سورآبادی همچون *تفسیر طبری* و *معراجنامه معراجنامه خطی* می‌نویسد که پیامبر (ص) در زمان بازگشت به جابلقا و جابلصا<sup>۹</sup> رفت و سپس از آنجا به بیت‌المقدس آمد. پس از آن به خانه ام‌هانی در مکه بازگشت درحالی‌که تنها ساعتی گذشته بود.

## ۱۶. نتیجه‌گیری

خط سیر روایت معراج این‌گونه است: شروع از مکه، سوار شدن بر براق، شکافتن سینه پیامبر، حرکت به سوی معراج (دو نوع روایت در اینجا دیده می‌شود ۱) اسرا؛ یعنی حرکت به سوی بیت‌المقدس، ۲) حرکت به سوی آسمان؛ یعنی معراج مستقیم از مکه به آسمان. شنیدن ندهایی از چپ و راست و ... دیدن زنی زیبارو و دیدن جوانی خوش‌سیما، آوردن چند جام نوشیدنی برای پیامبر، دیدن پیامبران یا ارواح پیامبران در *مسجدالاقصی* و نمازگزاردن با آن‌ها با اقتدا به پیامبر، بالا رفتن از هفت طبقه آسمان، دیدن پیامبران و فرشتگان در هر طبقه آسمان، دیدن دوزخ و عذاب دوزخیان، دیدن بهشت، دیدن بیت‌المعمور و طواف گرد آن، رفتن تا *سدره‌المنتهی* (مقام جبرئیل)، سوار شدن بر رفر، گذشتن از چندین دریا و چندین حجاب، رفتن تا عرش، صحبت کردن یا ملاقات با خدا، بازگشت و فرود آمدن، دیدار مجدد حضرت موسی و درخواست تخفیف برای نماز به پیشنهاد موسی، بازگشت به مکه و بازگویی موضوع برای مردم مکه با شرح چندین نشانه. از نظر نگارندگان نقطه اوج این روایت مرحله سخن گفتن با خداست و پس از آن روایت خطی به سمت *حضیض* روایت پیش می‌رود؛ یعنی هر اتفاقی پس از آن جزء *حضیض* روایت محسوب می‌شود.

باید در نظر داشت که هر یک از مراحل خط سیر مذکور این روایت ممکن است در روایتی وجود نداشته یا پس و پیش ذکر شده باشد.

روایت معراج اگرچه راویان متعددی داشته، در همه آثاری که داستان معراج را نقل کرده‌اند شباهت‌های بسیاری در روایت بنیادین وجود دارد. تعداد معراجنامه‌های فارسی که به‌طور مستقل به معراج پیامبر (ص) پرداخته باشد، بسیار اندک است.

با بررسی جزء به جزء محتوای روایات داستانی این آثار و مقایسه آن‌ها با یک‌دیگر مشترکات و شباهت‌های فراوان و ساختار روایی جامعی از آن به دست آمد که شروع، نقطه اوج، روایت خطی و پایان آن مشخص است و با در نظر نگرفتن توصیفات و آرایش‌های کلامی از جمله آیات و احادیث و ... چارچوب کلی روایت از خلال این معراجنامه‌ها بیرون می‌آید.

در این میان، روایت موجود در تفسیر طبری (قرن چهارم) با توجه به تقدم آن، شاخ و برگ بسیار کمتری داشته است. تاج‌التراجم (قرن پنجم)، روض‌الجنان (قرن ششم) و کشف‌الاسرار (قرن ششم) گسترش بیشتری داشته و در بعضی از قسمت‌ها اشتراکات و شباهتهایی با یک‌دیگر دارند، حتی گاه کلمات و توصیفات آن‌ها کاملاً یکسان است که این شباهت در تاج‌التراجم و روض‌الجنان مشهودتر است. اما تفسیر سوره‌آبادی (قرن پنجم) با توجه به مقدم بودن و نزدیکی به سرچشمه روایت تفاوت‌های زیادی با آثار دیگر دارد و رنگ و بوی داستانی آن نیز کمتر است. کتاب‌المعراج قشیری با توجه به اینکه به‌صورت بریده‌بریده روایت‌هایی نقل می‌کند آشفتگی کلامی زیادی دارد که کار نتیجه‌گیری از آن را دشوار کرده است، با همه این اوصاف علمی‌ترین کار را در آن دوره قشیری انجام داده است. او که از معراجنامه تأویلی ابن‌سینا برمی‌آشوبد، که معراج را امری روحانی می‌داند و سعی در تأویل آن دارد، روایات متعدد معراج را جمع‌آوری می‌کند و سعی در اثبات آن دارد که معراج جسمانی - روحانی است و معراج روحانی فضلی ندارد. هم‌چنین از آنجاکه روایات متعددی را بریده‌بریده ذکر می‌کند هر بخش از این روایات می‌تواند شبیه بخشی از کتاب‌هایی باشد که ما قصد بررسی آن را داریم. تنها روایتی که قشیری چند صفحه به آن اختصاص می‌دهد روایتی از ابن‌عباس است که البته به نظر او روایت مستندی نیست. قشیری پیش از آنکه بخشی از روایتی از قول ابن‌عباس را ذکر کند، می‌نویسد: «در این حدیث عجایی ... وجود دارد که از بیم به درازا کشیدن سخن، آن‌ها

را وامی گذاریم و به ذکر بعضی از آن‌ها بسنده می‌کنیم» (انصاری، ۱۳۸۳: ۷۰). البته همین بخش از روایت نیز بسیار طولانی و پر از اوصاف دقیق و در جزئیات با حدیث‌الاسراء متفاوت است. اما این بخش بسیار شبیه *معراجنامه* و *معراجنامه خطی* است. همان‌طور که گفتیم او به نقل احادیث می‌پردازد و البته نظر خود را نیز درباره صحیح‌ترین احادیث نقل می‌کند. به نظر او «مدار روایات صحیح در باب معراج بر انس بن مالک استوار است» (انصاری، ۱۳۸۳: ۵۳). نکته جالب توجه آنکه روایت قشیری از ابن عباس فرض ما را مبنی بر وجود نسخه ای دیگر از این روایت تقویت می‌کند، زیرا هرچند دو نسخه در کلیت موضوع نکات مشترک زیادی دارند، اما در جزئیات بسیار باهم متفاوت‌اند، مثلاً نام و جنس آسمان‌ها در دو نسخه یکسان نیست. با نگاهی به جدول نام فرشتگان متوجه شباهت روایت ابن عباس در *کتاب المعراج* قشیری با *معراجنامه* و *معراجنامه خطی* می‌شویم. نکته جالب توجه اینکه در حدیث‌الاسراء و *المعراج* ابن عباس چنین نام‌هایی به چشم نمی‌خورد، در حالی که روایت قشیری از قول ابن عباس است.

*معراجنامه* و *معراجنامه خطی* که متأخرتر از بقیه آثار است شاخ و برگ داستانی و روایی بیش‌تری دارد که نشان از دخالت بیش‌ازحد مؤلف در روند روایت داشته تا رنگ و بوی داستانی به اثر خود ببخشد.

*حدیث‌الاسراء* و *المعراج* کتاب مفصل ابن عباس که کهن‌ترین روایت مکتوب از معراج است، از نظر کلیت به دیگر تفاسیر شبیه است اما از نظر جزئیات با بقیه متفاوت است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین قسمت‌هایی که در تفاسیر باهم متفاوت است وصف دوزخ و دوزخیان و عذاب‌های آن‌هاست که به دلیل اطاله کلام مجبور شدیم آن را حذف کنیم. از جزئیات تفاسیر نمی‌توان به این نتیجه رسید که این آثار از ابن عباس بهره برده‌اند؛ احتمالاً به روایات دیگر نظر داشته‌اند و البته خود نیز به آن روایات آب‌وتاب داده و رنگ و بویی تازه بخشیده و بهره خود را برده‌اند.

نکته جالب توجه اینکه حتی منبعی مثل *روض‌الجنان* که در برخی جاها تصریح می‌کند که در این قسمت از روایت ابن عباس بهره برده است باز هم در جزئیات با روایت ابن عباس تفاوت دارد.

مکان شروع معراج در بیشتر تفاسیر از جایی در مکه و در همه روایت‌ها خانه ام‌هانی آمده است. درباره زمان شروع روایات مختلف است و برخی از تفاسیر با نقل این مسئله که



معراج دو یا چند بار رخ داده است سعی در توجیه آن داشته‌اند، یعنی خود آن‌ها نیز متوجه این تفاوت‌ها شده بودند، اما هیچ کدام سعی در رفع شبهه نکرده و با ذکر دو یا چندبار بودن از بررسی آن شانه خالی کرده‌اند. با توجه به جدول متوجه می‌شویم که پیش از هجرت، شب دوشنبه و نیز ربیع‌الاول بالاترین بسامد را دارد.

در همه روایت‌ها آمده است که جبرئیل در این سفر روحانی - جسمانی همراه پیامبر بوده است. در حدیث‌الاسرا و تفسیر طبری به جز جبرئیل از میکائیل نیز نام برده شده است. در *روض الجنان* ذکر می‌شود که جبرئیل با فرشته دیگری پیامبر را همراهی می‌کند. در بقیه تفاسیر جبرئیل، میکائیل و فرشتگان دیگر پیامبر را در معراج همراهی می‌کنند.

سند تمام روایات درباره شکافتن سینه پیامبر و غسل دادن آن در *کتاب المعراج* قشیری به انس بن مالک می‌رسد اما در روایت ابن عباس در *کتاب المعراج* قشیری به این موضوع اشاره نشده است. در حدیث‌الاسرا ابن عباس، تفسیر طبری، *سورآبادی* به این موضوع اشاره‌ای نشده است و صاحب *روض الجنان* نظر خود را صراحتاً در این باره بیان می‌کند که شرعاً و عقلاً درست نیست.

در *تاج‌التراجم*، کشف‌الاسرار و *معراجنامه* معراجنامه خطی و همان‌طور که گفته شد در *کتاب المعراج* قشیری این روایت آمده است. به نظر می‌رسد در برخی احادیث به نقل از صحابه این روایت ذکر نشده، به همین دلیل مثلاً در تفسیر طبری یا حدیث‌الاسرا به آن اشاره نشده است با وجود اینکه حدیث‌الاسرا جزئیات زیادی را دربرمی‌گیرد.

درباره مرکب معراج، به جز طبری که هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است بقیه تقریباً اوصاف مشابهی از براق را ارائه می‌کنند.

درباره ندهایی که پیامبر می‌شنود روایت‌ها بسیار به هم نزدیک‌اند؛ روایت تفسیر طبری، *کتاب المعراج*، *روض الجنان* و کشف‌الاسرار بسیار شبیه است. روایت حدیث‌الاسرا نیز با کمی تفاوت به این چهار شبیه است. روایت *معراجنامه* معراجنامه خطی نیز به روایت *سورآبادی* شبیه‌تر است.

درباره محتویات جام‌ها طبری هیچ اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کند. روایت *سورآبادی* و *معراجنامه* معراجنامه خطی شبیه هم است حال آنکه روایت حدیث‌الاسرا، *تاج‌التراجم* و *روض الجنان* به هیچ روایت دیگری شبیه نیست. در این باره روایت کشف‌الاسرار و *کتاب المعراج* قشیری به هم شباهت دارد.

درباره دیدار با پیامبران پیش از عروج، در بیت‌المقدس در حدیث‌الاسرا و طبری چیزی ذکر نشده است و تفاسیر در جزئیات نام پیامبران باهم اختلاف دارند. تنها در کتاب‌المعراج اشاره شده است که همگی آن‌ها را دید و با آن‌ها نماز گزارد. در *روض‌الجنان* و *تاج‌التراجم* اشاره شده است که پیامبران از عهد ادریس تا نوح را دید. در *معراجنامه* *معراجنامه* خطی نام تعدادی از پیامبران ذکر شده است که از این نظر هیچ شباهتی به هیچ کدام از روایات دیگر ندارد.

در کتاب‌المعراج، *تاج‌التراجم*، *سورآبادی*، *کشف‌الاسرار* و *معراجنامه* *معراجنامه* خطی آمده است که پیامبر در آسمان اول حضرت آدم را دید، اما *سورآبادی* علاوه بر آدم می‌نویسد که صورت عثمان را در حال نماز دید. تا اینجا گاه از برخی نوشته‌های *سورآبادی* می‌شود برداشت کرد که گرایش شیعی دارد، اما با این جمله معلوم می‌شود که فرقه‌ای از فرق سنی است که به امامان شیعه احترام می‌گذارند و همچنین رنگ و بویی از این گرایش را در طبری نیز می‌توان دید:

پس پیامبر اندر خواست از خداوند عزوجل تا جبرایل را بفرمود تا پیامبر را بهشت نماید ... پس جبرایل از بهشت سیبی بکند ... و گفت این بخور ... پیامبر آن سیب را بخورد، آن سیب نطفه گشت ... و خبری است به روایت که بیارند از پیغامبر (ص)، ایدون گویند که پیغامبر بیامدی و موی فاطمه بوییدی و بوسه دادی و گفتی که از موی فاطمه بوی بهشت آید و سبب آن سیب بوده بود (طبری، ۱۳۴۱: ۹۱۵).

در حدیث‌الاسرا، *روض‌الجنان* و طبری چیزی درباره دیدن حضرت آدم در آسمان اول یا بقیه آسمان‌ها نمی‌آید.

اما نام آسمان اول در حدیث‌الاسرا رقیعه، در *معراجنامه* خطی برقیعه و در کتاب‌المعراج به نقل از ابن عباس رقیعه آمده است. نام‌ها بسیار شبیه هم هستند، به‌ویژه اینکه در قدیم روی ف و ق در برخی نسخ نقطه نمی‌گذاشتند.

در آسمان دوم به جز طبری و *سورآبادی* که چیزی درباره دیدن پیامبران ننوشتند و *معراجنامه* خطی که می‌نویسد پیامبر حضرت یوسف را در آسمان دوم ملاقات کرد بقیه می‌نویسند که پیامبر حضرت عیسی و حضرت یحیی را در این آسمان دید.

جنس و نام آسمان دوم در سه منبع ذکر شده که با هم متفاوت است عبارت‌اند از حدیث‌الاسرا، کتاب‌المعراج قشیری و *معراجنامه* *معراجنامه* خطی. در *معراجنامه* خطی

آمده است که پیامبر در آسمان سوم حضرت عیسی و یحیی را ملاقات کرد. طبری و سوراآبادی در این باره چیزی نمی‌نویسند. حدیث/الاسرا از حضرت داوود، سلیمان و یوسف نام می‌برد و بقیه فقط به حضرت یوسف اشاره می‌کنند. در کتاب المعراج و معراج‌نامه معراج‌نامه خطی نام آسمان چهارم ماعون و در حدیث/الاسرا زاهره است. نام آسمان پنجم در هر سه منبع متفاوت است. در کتاب المعراج نام آسمان ششم غزریون و در معراج‌نامه خطی غزریون آمده است. در حدیث/الاسرا خالصه آمده است. نام آسمان هفتم در هر سه منبع متفاوت از دیگری ذکر می‌شود.

اسم برخی فرشته‌ها در معراج‌نامه معراج‌نامه خطی تلفظ دیگری از اسم روایت کتاب/المعراج قشیری به نقل از ابن عباس‌اند مانند کوبک یالیل، خزانه‌دار آسمان سوم، در روایت قشیری و کوکیائیل در معراج‌نامه معراج‌نامه خطی. برخی هم یکی‌اند، مانند اسماعیل نام خزانه‌دار آسمان اول و برخی متفاوت‌اند. جالب آنکه این اسم‌ها و جنس آسمان با آنچه در کتاب حدیث/الاسراء ابن عباس آمده کاملاً متفاوت است.

از بررسی جدول‌ها می‌توان نتیجه گرفت روایتی که قشیری از ابن عباس نقل می‌کند به روایت معراج‌نامه معراج‌نامه خطی شبیه‌تر است هرچند به نظر می‌رسد معراج‌نامه خطی به در قسمت محتویات جام‌ها و نداها به منبع سوراآبادی نیز نظر داشته است.

در قسمت پایانی روایت معراج‌نامه خطی شباهت آن به تفسیر طبری جلب توجه می‌کند. همان‌طور که ذکر شد پیامبر پس از بازگشت به زمین به جابلسا و جابلقا برده می‌شود.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تفسیر متأخری چون معراج‌نامه خطی به چند روایت نظر داشته و در هر قسمت از روایتی بهره برده است؛ مثلاً در قسمت شرح هفت آسمان به‌ویژه نام خازن هر آسمان به روایت ابن عباس نظر داشته که در کتاب/المعراج قشیری آمده است اما در قسمت بازگشت به تفسیر طبری نظر داشته است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. البته بنا بر قول ابن هشام نخستین روایت از آن عبدالله بن مروزی است (ابن‌سینا، معراج‌نامه، ص ۲۲).

۲. برخی از مفسران آن را بیت‌المعمور دانسته‌اند که در این مقاله تنها به روایاتی پرداخته می‌شود که مقصود از آن را مسجدالاقصی در بیت‌المقدس می‌دانند.

۳. «منزه است آن خدایی که بنده خود را شبی از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را برکت داده‌ایم سیر داد، تا بعضی از آیات خود را به او بنماییم، هرآینه او شنوا و بیناست». به سفر شبانه حضرت محمد (ص) از مکه به بیت‌المقدس به اذن پروردگار به همراهی جبرئیل اشاره دارد.

۴.

صاحب نیرویی که استیلا یافت (۶) و او به کناره بلند آسمان بود (۷) سپس نزدیک شد و بسیار نزدیک شد (۸) تا به قدر دو کمان یا نزدیک تر (۹) و خدا به بنده هرچه باید وحی کند وحی کرد (۱۰) دل آنچه را که دید دروغ نشمرد (۱۱) آیا در آنچه می‌بیند با او جدال می‌کنید؟ (۱۲) او را دیگر بار هم بدید (۱۳) نزد سدره‌المتهی (۱۴) که آرامگاه بهشت نزد آن درخت است (۱۵) وقتی که سدره را چیزی در خود می‌پوشید (۱۶) چشم خطا نکرد و از حد نگذشت (۱۷) هرآینه پاره‌ای از آیات بزرگ پروردگارش را بدید (۱۸).

۵. این کتاب تا به حال به فارسی چاپ نشده و انتشارات دارالرائد در بیروت آن را در ۷۹ صفحه در سال ۱۴۰۷ چاپ کرده است.

۶. نویسندگان مقاله تصحیح تازه‌ای از این کتاب را آماده کرده‌اند که به‌زودی منتشر خواهد شد.

۷. أم‌هانی دختر ابوطالب و فاطمه بنت اسد بن هاشم و خواهر تنی طالب، عقیل، جعفر و امام علی (ع) است. از او با نام‌هایی چون فاخته، فاطمه و عاتکه یاد شده است.

۸. در این ارجاع «۷» در نسخه خطی نماینده صفحه راست و «۳» نماینده صفحه چپ است.

۹. جابلسا

## کتاب‌نامه

قرآن کریم. (۱۳۷۶). ترجمه فولادوند، محمدمهدی تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.  
ابن سینا، حسین با عبدالله، (۱۳۶۵) معراج‌نامه، به تصحیح نجیب مایل هروی، مشهد: آستان قدس رضوی.

ابن عباس، عبدالله (۱۴۰۷ ه.ق). حدیث الإسراء و المعراج. دارالرائد العربی، بیروت: لبنان.

مقایسه تطبیقی ساختار روایت معراج ... (ناهیده کاظم‌زاده و مریم حسینی) ۲۹۳

الخزاعی النیشابوری، حسین بن علی بن محمد بن احمد (ابوالفتوح رازی) (۱۳۶۵). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مجلد ۴. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد (۱۳۷۴). *تاج التراجم فی تفسیر القرآن الاعاجم* (دوره ۳ جلدی). تصحیح نجیب مایل هروی و علی‌اکبر الهی خراسانی. مجلد سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

القشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. *کتاب المعراج*، اخراج و تحقیق علی حسن عبدالقادر، دانشگاه الازهر، بی‌تا.

انصاری، قاسم (۱۳۸۳). *از عرش تا فرش*، ترجمه کتاب المعراج عارف نامی ابوالقاسم قشیری. قزوین: نشر سایه‌گستر.

بی‌نام، *معراجنامه (نسخه خطی)*، کتابخانه سلیمانیه، ایاصوفیه ۳۴۴۱، ترکیه، استانبول.

ترجمه تفسیر طبری (۱۳۴۱). به اهتمام حبیب یغمایی (دوره ۷ جلدی). مجلد چهارم. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا* (دوره ۱۶ جلدی). تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.

عتیق نیشابوری سورآبادی، ابوبکر (۱۳۷۰). *قصص قرآن مجید*. چاپ سوم، تهران: خوارزمی.

میبدی، رشیدالدین (۱۳۸۲). *کشف الاسرار و عده الابرار* (دوره ۸ جلدی). تصحیح علی‌اصغر حکمت. جلد. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

Christiane Gruber, *The Ilkhanid Book of Ascension*, I.B. Tauris Publishers, 2010.

Christiane Gruber and Frederick Colby, *The Prophet's Ascension: Cross-Cultural Encounters with the Islamic Miraj Tales*, Indiana University Press, 2010.

Frederick S. Colby, *Narrating Muhammad's Night Journey*, State University of New York Press, 2008.